

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: برونو گیگ  
برگردان از: حمید محوی  
۰۳ فیروزی ۲۰۱۸

## افسانه «تهدید هسته ئی ایران»



### برونو گیگ

درباره برونو گیگ : مقام عالی رتبه دولت فرانسه، مقاله نویس و سیاست شناس، استاد فلسفه در دبیرستان و استاد یار روابط بین المللی در دانشگاه رنویون. او نویسنده ۵ کتاب است «منشأ جنگ اسرائیل و عرب، ندامت پنهان غرب، هارماتان ۲۰۰۲»، «آیا باید لنین را سوزاند؟»، «دلایل برده داری» از جمله این کتابهاست و صدها مقاله. برونو گیگ بخشدار شهر سنت، در سال ۲۰۰۸ به دلیل نوشتن گزاره ای که به «نباید گفت ها تعلق دارد» یعنی افشای «ارتش اسرائیل کودکان فلسطینی را به قتل می رساند» از سوی میشل آلیو ماری وزیر کشور فرانسه از مقام خود بر کنار شد.

مرکز پژوهش جهانی سازی، ۲۹ جنوری ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*



رسانه های فرانسوی در سکوت آفرین آمیز در برابر پر گوئی های چند معنائی و چند زبانی امانوئل ماکرون در داووس، موضوعی مهمی را پنهان کردند : و آن نیز این بود که دونالد ترمپ از کنگره ۷۱۶ میلیارد دلار برای پنتاگون و برای بودجه سال ۲۰۱۹ درخواست کرده است. این افزایش ۷% در

مقایسه با بودجه ۲۰۱۸ برای تعویض تکمه شلوار به خدمت گرفته خواهد شد. به گزارش دوسیه محرمانه ای که در هافینگتون پست Huffington Post منتشر شده، پنتاگون [در صورت احتمال] «حمله خیلی مهم کلاسیک» پاسخ اتومی پیشبینی کرده است.

دوسیه با رویکرد ستراتیژیک، به گزارش مجله [وضعیت هسته ای] (Nuclear Posture Review) برای ۲۰۱۸ طرح مدرنیزاسیون انبار جنگ افزار هسته ای را پیشبینی کرده و بر اساس گمانه زنی آژانس فدرال نیز هزینه آن در کوران ۳۰ سال آینده بالغ بر ۱۲۰۰ میلیارد دلار خواهد بود.

ولی چنین طرحی به هدف گسترش جنگ افزار در چشم انداز وسیع، گویا که موجب نگرانی مردم نبوده و دیدبانان را نیز هیجان زده نکرده است. باید بگوئیم که دست به هر کاری زدند تا درخت جنگل را پنهان کند. از ۱۵ سال پیش تا کنون، رهبران سیاسی و رسانه های غربی پیوسته مترسک «تهدید هسته ای ایران» را به نمایش می گذارند. رسانه های حاکم در پنهان و درازای ستون هایشان به این افسانه جغرافیای سیاسی باور کرده اند، گویی امر کاملاً روشنی است که کشوری بی آن که جنگ افزار هسته ای در اختیار داشته باشد خطرناکتر از کشوری ارزیابی شود که چنین سلاحی را در اختیار دارد و آن را به کار برده و افزون بر این می خواهد انبار هسته ای هیولائی اش را نیز گسترش دهد.

برای خوراندن چنین پرت و پلائی، رسانه ها در تپش طبل قبیله پندار ساده ای را به طنین می اندازند: «برنامه هسته ای ایران پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای را تهدید می کند». جای شگفتی ست که هرگز این پرسش را مطرح نمی کنند: «که اگر این همه به این پیمان نامه دل بستگی دارید چرا آن را به کار نمی بندید؟»

قدرت های غربی، در واقع، هرگز برای واداشتن اسرائیل، هند و پاکستان به امضای پیمان منع جنگ افزارهای هسته ای TNP تلاش نکردند. سرپیچی از پیوستن به پیمان نامه، موجب شد که این سه کشور با گریز از هر گونه کنترولی زرادخانه غیر قانونی به وجود بیاورند، و طبیعی ست که از بمب اتومی ایران که هنوز وجود خارجی ندارد نگران کننده تر باشد.

ولی این همه داستان نیست. زیرا پیمان نامه به همچنین پیشبینی کرده است که ۵ دولتی که جنگ افزار هسته ای در اختیار دارند (ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه) باید جنگ افزارهای هسته ای خودشان را از بین ببرند، و این بخش از پیمان نامه است که خیلی بسادگی ندیده گرفته شده.

در آغاز این شکست، ایالات متحده آمریکا رسماً پیمان نامه استارت ۲ (پیمان نامه کاهش جنگ افزارهای هسته ای) را با مسکو به امضاء رساند (۱) و سپر دفاع راکتی اش را در اروپا برپا کرد. از این بدتر، هر دو پیوسته انبارهای خودشان را گسترش دادند که کاربست پیشگیری کننده آن از سوی آزمون وضعیت هسته ای (Nuclear Posture Review) در سال ۲۰۰۲ تأیید شده است. از این پس کار بست جنگ افزار هسته ای در نخستین حمله مجاز خواهد بود... این دیدگاه نظریه پرداختی در زمینه کاربست جنگ افزارهای ستراتیژیک براستی در جعبه پاندور را باز کرد.

اگر به تبلیغات درباره ایران ترسناک گوش فرا دهیم، جهان متمدن باید برای پاسخ گویی به رگبار آتش ویرانگر ملامت های ایران آماده باشد، این «دیوانه های خدا»، عمامه به سرها با شتاب تصمیم گرفته اند به پایان جهان تجسم عینی ببخشند. ولی واقعیت به اندازه سال های نوری از این هذیان ایدئولوژیک فاصله دارد. در واقع، هسته قدرت مداران امریکائی هنوز موفق به ترمیم زخمی نشده اند که انقلاب ایران بر آنها وارد آورد، تحقیر نمادینه سنگین (گروگان های تهران) و ورشکستگی جغرافیای سیاسی (سقوط شاه). واشنگتن به تدریج فصل به فصل یک دیو شناسی پدید آورد که جمهوری اسلامی در آن به مانند رژیم استبدادی بدکاره شناسانده شده که رفتار ناهمآهنگ و از هم گسیخته اش سیاره زمین را در معرض خطری مرگبار سوق داده است. گویی چنین خطری روی دوش جهانیان سنگینی می کند. افسانه پردازی به

وسعت سپهر کیهانی که یگانه کارکرد آن جلوگیری از گسترش و پیشرفت ملتی بزرگ است که نظم امپراتوری را نمی پذیرد.

واقعیت گویاست. متهم دانستن ایران که گوئی می خواهد جنگ افزار هسته ئی بسازد، در حالی که این کشور چنین جنگ افزاری در اختیار ندارد. ایالات متحده آمریکا نخستین قدرت هسته ئی و یگانه کشوری ست که آن را نیز به کار برده است. و یگانه کشوری که در خاورمیانه بمب هسته ئی در اختیار دارد (بیش از ۴۰۰ کلاهک هسته ئی) اسرائیل است که با برخورداری از چنین امتیازی نمی خواهد آن را از دست بدهد: اسرائیل حق دارد جنگ افزار نهائی را در اختیار داشته باشد ولی به این شرط که داشتن آن را تبلیغ نکند. با تبانی کشورهای غربی، ریاکاری اسرائیل به دو هدف می زند، از تأثیر بازدارندگی بهره می برد زیرا بمب اتمی اسرائیل واقعاً وجود دارد، بی آن که مورد اعتراض بین المللی قرار گیرد چون که می گویند چنین بمبی وجود ندارد. این رژیم می که دارنده امتیازات ناباورانه می باشد، موضوع هسته ئی را به افسانه ای شگفت انگیز تبدیل کرده است: بمبی کاملاً مجازی باید مو را به تن ما سیخ کند (ایران)، در حالی که انبار جنگ افزار هسته ئی عظیمی که البته رسماً وجود خارجی ندارد هیچ انگیزه نگرانی نباید برای ما به وجود آورد (اسرائیل).

معاف از هر گونه کنترل بین المللی، برنامه هسته ئی صهیونیست از آغاز از آزادی کامل برخوردار بود. غربی ها گسترش هسته ئی را سرزنش و تنبیه می کنند، ولی تاریخ بمب اسرائیلی نشان می دهد که خودشان مستقیماً مسؤول آن بوده اند. بن گوریون برنامه هسته ئی صهیونیست را در آغاز سال های ۵۰ راه اندازی کرد و فرانسه بی درنگ به یاری او شتافت. توافقی سرّی با گی موله Guy Mollet در سال ۱۹۵۶، به دولت اسرائیل اجازه داد که فن آوری هسته ئی را به دست آورد، و مرکز پژوهش هسته ئی «نه گو» در حاشیه شهر دیمونا به کمک مهندسی فرانسوی ساخته شد. همبستگی در مبارزه علیه ناسیونالیسم عرب، فرانسه و اسرائیل با یک دیگر پیمانی بستند که رویداد فاجعه بار لشکر کشی سوئز نشان بارز آن است.

در پایان دهه ۶۰ که آمریکا جایگزین فرانسه شد، همکاریها ادامه یافت. بر پایه توافقی میان لیندن جانسون و گلدایر، هیچ فشاری برای امضای پیمان نامه منع گسترش جنگ افزار هسته ئی روی اسرائیل نباید وجود داشته باشد، به ازای آن اسرائیل درباره انبار هسته ئی اش ابهام ایجاد خواهد کرد [به این معنا که به گونه ای رفتار خواهد کرد گوئی چنین جنگ افزاری در اختیار ندارد (...)]. سازشکاری با دور زدن قوانین بین المللی، در مجموع، به ازای رعایت دقیق قانون سکوت. با این وصف، کشورهای غربی با تحمیل طرح تخیلی برنامه هسته ئی نظامی روی ایران فشار می آورند، در حالی تل آویو به شکل فزاینده تری تهران را تهدید می کند. با وجود این، جمهوری اسلامی هرگز به کشورهای همسایه اش تجاوز نکرده است. ولی درباره اسرائیل چنین ادعائی نمی توانیم داشته باشیم زیرا مصر، سوریه، لبنان، اردن، عراق و تونس را بمباران کرد، بی آن که از سرزمین های فلسطینی یاد کنیم که به شکل روزمره از سوی این کشور عبری هدف گرفته می شود.

تبلیغات غربی با ایجاد دود استتار روی چنین واقعیتی از رژیم ایران به نام «دین سالاری متعصب» یاد می کنند. با وجود این، حتی یک ملامت هم اعلام نکرده است که «دولت ما یگانه دولتی ست که با خدا در تماس می باشد». ولی این گزاره ادعای ایفی ایتم، Effi Eitam، وزیر پیشین اسرائیلی و رئیس حزب ملی گرای مذهبی ست. آمیخته به شوق شناسی بی اعتبار، گفتمان حاکم جمهوری اسلامی را به مانند مکانی انباشته از شهودات آخر زمانی پر شور ترسیم می کنند که در رویای کشتار جمعی اسرائیلی ها با بمب اتمی به سر می برد. جای شور بختی ست که منتقدانی که علیه ایران قلم می زنند از این جستارهای پر شور اندکی از بمب اسرائیل الهام نمی گیرند: ویژگی بمب اسرائیلی در این

نکته است که ابهامی را به پرواز در می آورد که تهدید مجازی نیست. میان ادعای صهیونیسم در « تماس مستقیم با خدا» و پافشاری راز و رمز مدارانه تل آویو در داشتن جنگ افزار حرف آخر، می توانستیم « فرجام شناسی » ویژه ای را تشخیص دهیم.

تناقض دیگری که طرفدار کمتری ندارد : این است که غرب ایران را به ساخت بمب متهم می کند، ولی این جمهوری اسلامی بود که برنامه هسته ئی را در سال ۱۹۷۹ متوقف کرد. شاه به پشتیبانی امریکا پیمان نامه مهمی برای ساخت مراکز هسته ئی با فرانسه و المان به امضاء رسانده بود. مخالفت با چنین سیاستی بر این پایه بود که برنامه هسته ئی برای کشوری غنی از سوخت فسیلی خیلی گران تمام می شود و بی درنگ دولت جمهوری اسلامی پیمان نامه ها را باطل اعلام کرد. باید جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) روی می داد تا داده ها را دگرگون کند. یکه و تنها ماندن در برابر تجاوز عراق، دولت ایران را به ضعف هایش در برابر همبستگی بین المللی با صدام حسین آگاه کرد. شرکت قدرت های غربی در این جنگ، فرستادن جنگ افزار کیمیائی به عراق، تخریب هواپیمای ایرباس ایران در حال پرواز، ایران را به گستره خطر آگاه کرد.

در چنین شرایطی ست که رهبران ایران در فن آوری هسته ئی غیر نظامی یک برگ برنده فنی را شناسائی کردند که موجب تثبیت حاکمیت و افتخار ملی می شد. بمب هسته ئی از دیدگاه مقامات مذهبی حرام است و هیچ برنامه هسته ئی نظامی رسماً در ایران وجود ندارد. ولی متهم کنندگان خلاف این واقعیت را جار می زنند، ولی بی آن که کمترین مدرکی در این باره عرضه کنند. **گفتمان بیمارناک علیه تهران، در واقع، دو موضوع را به شکل کاملاً اختیاری با هم اشتباه می گیرد :** از یکسو توانائی در فن آوری و تولید جنگ افزار هسته ئی، و از سوی دیگر تصمیم سیاسی برای تولید چنین جنگ افزاری. به این انگیزه که توانائی ایران به چنین درجه ای دست یافته، تهران را متهم می کنند که می خواهد و یا در حال تدارک بمب هسته ئی است. ولی این دلیل و برهان حاکی از ترسی بیمارناک و انحرافی ست، زیرا به جای رسیدگی به حساب آنانی که بمب را در اختیار دارند، روی دولتی فشار می آورند که خواهان آن نیست.

« خطر ایران هسته ئی » ترفندی ست که همه فصل های آن را به گونه ای تنظیم کرده اند تا کشوری را برای خنثی کردن هدف بگیرند که به جنبش عدم تعهد تعلق دارد. حاکم، بی هیچ بدهکاری، با دلبستگی خدشه ناپذیر به استقلال، ایران ظرفیتی دارد که طرفداران نظم امپراتوری را می ترساند. رهبران ایران توافق ۲۰۱۵ را امضاء کردند زیرا می خواستند برای توسعه کشورشان امتیاز قائل شوند. آنان خواهان از میان برداشتن تحریم ها هستند تا به نیازهای ۸۰ میلیون نفر از جمعیت ایران پاسخ بگویند. سازش درباره موضوع هسته ئی این کشور بزرگ را زیر کنترل بین المللی بی سابقه ای قرار می دهد، ولی تهران این شرط را پذیرفته است. با متهم دانستن ایران به «پشتیبانی از ترس افکنان»، ترمپ می خواهد این روند عادی سازی را متوقف کند. با تشویق و پشتیبانی تاجران اسلحه، او به شکل مسخره ای به ابلیس نمائی ایران ادامه می دهد. امپریالیسم هرگز خلع سلاح نمی شود، و دروغ ها ادامه می یابد. ولی ایران می داند که گذشت زمان به نفع او کار می کند، و می داند چگونه در برابر تحریکات ابر قدرتی که در حال فروپاشی ست پایداری کند.

### توضیح مترجم :

(۱) پیش از همه باید یادآوری کنیم اصطلاح پیمان نامه کاهش جنگ افزار های استراتژی یک Start 1 و ۲ در وکیبیدیای فارسی هنوز چیزی در این باره منتشر نشده، که احتمالاً می تواند معنی دار باشد، افزون بر این جمهوری اسلامی ایران نیز چندان روی این موضوع پا فشاری نکرده است. در جبهه اپوزیسیون های پنتاگونی (مجاهدین، سلطنت طلبان، چپ

های دروغین که دقیقاً مانند حزب توده دروغین هستند که انگلیس ها برای منحرف کردن حزب توده اصلی به وجود آورده بودند، جدائی طلبان و جنبش خلق ها و ملتها در ایران و کوتاه سخن رنگین کمان همه آرزوهای «زامبی» نیز موضعگیری های ضد ایرانی شان که کاملاً در خدمت امپریالیسم جهانی هستند کاملاً روشن است، : دقیقاً، آتلانتیست تر از آتلانتیستها. گرچه ارزش خاصی ندارند به جز هرزه گوئی هایشان در انترنت و رادیو تلویزیونهای پنتاگونی و پیوندهای زیانبارشان با حملات امثال داعش و جندالله و پژاک به مرزهای ایران و دیگر کنش های ترس افکنانه علیه مردم ایران در راستای طرح بی ثبات سازی (...). در اینجا، توضیح مختصری را درباره پیمان نامه کاهش جنگ افزارهای ستراتیژیک با استفاده از یکی از فرازهای ویکیدبای فرانسه ضروری می دانم :

نخستین پیمان نامه START 1 (پیمان نامه کاهش جنگ افزارهای ستراتیژیک) در سال ۱۹۹۱ به امضاء رسید و در دسامبر ۱۹۹۴ تثبیت شد. در ۵ دسامبر ۲۰۰۹ مدت اعتبار آن به پایان رسید، بی آن که دو ابر قدرت در مذاکره هایشان به نتیجه رسیده باشند. در نتیجه توافقات به آینده موکول شد. پس از سقوط اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، با فدراسیون روسیه بود که ایالات متحده آمریکا پیمان نامه دوم START2 را در سال ۱۹۹۳ امضاء کردند. پیمان نامه دوم برای کاهش جنگ افزارهای ستراتیژیک از سوی آمریکا در سال ۱۹۹۶ و از سوی روسیه در سال ۲۰۰۰ به امضاء رسید (پارلمان روسیه امضای این پیمان نامه را به نشان اعتراض به مباران یوگوسلاوی توسط ناتو به تأخیر انداخت). START2 کاهش انبار مهمات ستراتیژیک را به دو سوم پیشبینی کرده بود و هر یک از طرفین نمی بایستی بیش از ۳۵۰۰ کلاهک هسته ی ستراتیژیک در اختیار داشته باشد. پیمان نامه دوم هرگز به اجراء گذاشته نشد....

\*\*\*\*\*

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۱ فیروزی ۲۰۱۸

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/la-fable-de-la-menace-nucleaire-iranienne/5622686>